



آسیب‌های اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی و اعتیاد همواره جزو دغدغه دولت‌ها بوده است اما در چند دهه اخیر آمارها حکایت از افزایش این مشکلات و رهاشدگی آنها دارد

عکس:
جام جم

اولویت‌های دولت سیزدهم درباره امور اجتماعی باید چه مسائلی باشد

رودررو با آسیب‌های اجتماعی

استفاده از مدیران متخصص، برنامه ریزی مناسب و پذیرش واقعیت می‌تواند

کنترل و مهار آسیب‌های اجتماعی را ممکن کند

اولویت اول؛ پذیرش واقعیت

آیا قائل به وجود و افزایش آسیب‌های اجتماعی هستیم؟ اگر استناد کنیم به روایت شهروندان که در همین جامعه زیست می‌کنند پاسخ به این سؤال آشکارا مثبت است. پس چرا مدیران این حوزه هنوز باور ندارند که آسیب‌های اجتماعی شتاب بیشتری گرفته است؟ حسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران معتقد است اولین اولویت دولت سیزدهم در این زمینه باید «پذیرش واقعیتی تلخ به‌نام آسیب‌های اجتماعی» باشد. او معتقد است بخشی از راهکار در همین پذیرش نهفته است.

فرید براتی‌سده، روان‌شناس و کارشناس حوزه اجتماعی هم این موضوع را با «واقعگرایی» در زمینه آسیب‌ها توضیح می‌دهد. او هم باور دارد برنامه‌ریزی در زمینه آسیب‌های اجتماعی باید با واقعگرایی همراه باشد و این گفته به این مفهوم است که ما تا به امروز از پذیرش این واقعیت تلخ طفره می‌فٚتیم. مثال او که سال‌ها به‌عنوان مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور فعالیت کرده جالب توجه است. او به جام‌جم می‌گوید: «در ماده ۸ برنامه ششم توسعه کشور آمده است که هر سال باید ۲۵ درصد کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم! جالب این‌که سازمان امور اجتماعی وزارت کشور که به اصطلاح خودشان آمدند برای این ۵ آسیب سند نوشته‌اند آنها هم می‌خواهند سالانه ۲۵ درصد از حجم این آسیب‌ها بکاهند! مگر می‌شود در یک سال بار اقتصادی اعتیاد را که سر به میلیاردها تومان می‌زند تا ۲۵ درصد کاهش داد؟ این اعداد و ارقام آمارهای مبتنی بر واقعیت نیست. برنامه توسعه ششم باشد یا سند وزارت کشور باید بدانیم هیچ دستگاهی نمی‌تواند در سال ۲۵ درصد بحث پیشگیری اعتیاد را داشته باشد، چرا که این رویه با واقعیت پیرامونی ما سنخیتی ندارد. کدام دستگاه می‌تواند اعا کند در سال ۲۵ درصد از آمار طلاق کشور را کاهش داده‌است، در حالی که در همه این سال‌ها آمارهای منفی مادر همه این حوزه‌ها افزایش داشته‌است؟»

تغییراتی که از آن گریزی نیست

بسیاری از کارشناسان حوزه اجتماعی معتقدند در زمینه آسیب‌های اجتماعی کارهای کمی صورت گرفته است. دولت تازه می‌تواند سرآغازی برای تحول در این زمینه باشد.

صادق الوالی معتقد است دولت سیزدهم باید در حوزه آموزش و پرورش تحولی ایجاد کند چراکه به باور او نظام آموزشی ما هنوز مبتنی بر ۵۰ سال پیش است و هیچ تناسبی با وضعیت روز جامعه ندارد. او می‌گوید: «هنوز ما باور

افزایش ۱/۵درجه‌ای دمای زمین تا سال ۲۰۵۰

مسعود تجربی، معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست از افزایش ۱/۵درجه‌ای دمای زمین تا سال ۲۰۵۰ خبر داد و گفت: با این افزایش دما و خشکی هوا، نحوه بارش‌ها تغییر خواهد کرد و به‌جای برف در زمستان شاهد بارش باران خواهیم بود. وی بایان به این‌که فشار روی منابع آب کشور بسیار بالاست و به‌شدت نیازمند مدیریت منابع آبی هستیم، افزود: ما جزو معدود کشورهایی هستیم که سالانه حدود ۱۵میلیارد مترمکعب از مخازن آب شیرین برداشت می‌کنیم. / سازمان محیط‌زیست



میثم اسماعیلی

جامعه

توجه به ساختارهای جامعه

اشتراک نظر جالب توجه دیگر در میان گفته‌های کارشناسان در توضیح اولویت‌های دولت بعدی در زمینه آسیب‌های اجتماعی مربوط به توجه به ساختارهای بنیادین یک جامعه است. صادق الوالی، مدیر توانمندسازی و کارآفرینی سازمان خدمات و رفاه اجتماعی شهرداری معتقد است همه آسیب‌های اجتماعی معلول علتی هستند که دولت‌ها عموماً به آن علت‌ها توجهی نمی‌کنند. او به جام‌جم می‌گوید: «در ایران پنج نهاد وجود دارد که ستون‌های ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند: خانواده، اقتصاد، آموزش و پرورش، دولت و دین و مذهب. خروجی عملکرد این نهادها آن چیزی است که ما در وضعیت کنونی اجتماعی جامعه می‌بینیم.» این نگاه را می‌توان در گفته‌های موسوی‌چلک هم به نوعی خواند. او هم توجه به سلامت روانی جامعه را یکی از اولویت‌های اساسی دولت تازه می‌داند و به جام‌جم می‌گوید: «دولت باید برای سلامت اجتماعی برنامه داشته باشد. به این مفهوم که از نگاه جزیره‌ای بپرهیزد و به این موضوع به شکلی کلان‌تر بنگرد. این توجه به سلامت روانی را باید هم در برنامه هفتم و هم در برنامه سالانه بودجه مورد توجه قرار بدهد.» البته این گفته رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران پیوست مهمی دارد. او معتقد است: «در حوزه آسیب‌های اجتماعی نباید نگاه‌های امنیتی و سیاسی غلبه کند، هر گاه این اتفاق افتاده منجر به زیرزمینی شدن آسیب‌های اجتماعی و به همراه آن ترس از پرداختن به آن شده است.»

حوزه‌ای با هزار متولی سرگردان

در این که گستردگی آسیب‌های اجتماعی باعث شده متولی واحدی برای آن قابل تصور نباشد شکی نیست، اما این تعدد متولیان از سویی باعث شده اتفاقا در بسیاری از موارد هیچ نهادی عهده‌دار مسوولیت کاری خود نباشد. رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران معتقد است جمعیت و حذف شورا‌های موازی و از سوی دیگر بسترسازی برای استفاده از ظرفیت مدیریت شهری در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی باید یکی از اولویت‌های دولت تازه در این زمینه باشد. فرید براتی سده هم معتقد است یکی از اولویت‌های دولت تازه در زمینه آسیب‌های اجتماعی باید این باشد که فکری به حال پراکندگی نهادهای تصمیم‌گیر در این حوزه کند و از این تعدد مراجع تصمیم‌گیر بکاهد. او به جام‌جم می‌گوید: «در احکام دائمی قانون هشتم آمده که متولی سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی است. بنابراین سوال این است که وزارت کشور چه کاره است؟ سازمان امور اجتماعی چه می‌گوید؟ اگر اینها هستند پس سازمان بهزیستی چه می‌کند؟ اگر هر دو هستند پس ستاد مبارزه با مواد مخدر چه کار می‌کند؟ در یک نمونه درباره وضعیت کودکان کار حدود ۱۶ نهاد و سازمان متولی امر بودند! که هیچ کدام از آنها هم نتوانست بهبودی در این حوزه ایجاد کند. این آشفتگی تنها مربوط به حوزه اجرایی نبوده و از همان ابتدا این رهاشدگی و پراکندگی به صورت قانونی اعمال شده است. قانون به شکلی است که راه شانه خالی‌کردن از مسوولیت این نهادها را بازگذاشته و هر دستگاه و نهادی معتقد است متولی این حوزه نیست.»

کودک‌آزاری در صدر تماس با اورژانس اجتماعی

آمنه سموات، کارشناس مسؤول اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: کودک‌آزاری و همسر آزاری در صدر علل تماس مردم با اورژانس اجتماعی است. وی افزود: دلیل کودک‌آزاری تنها ناشی از آسیب‌های اجتماعی نیست بلکه گاهی به‌علت آگاهی‌نداشتن یا نبود مهارت در فرزند پروری رخ می‌دهد. به گفته او، در چند سال اخیر شاهد افزایش خدمات اورژانس اجتماعی هستیم که دلیل اصلی آن، شناخته شدن خط ۱۲۳ و اورژانش اجتماعی به‌عنوان نهاد حمایت‌کننده است. / ایسنا



فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مفاسد اخلاقی، طلاق و اعتیاد. این فهرست طولانی‌تر از اینهاست اما همین سرفصل‌ها هم به مفهوم دیگری درصد قابل توجهی از جمعیت ایران است، سرفصل‌هایی که در زیرمجموعه ترکیب کلی «آسیب‌های اجتماعی» خوانده می‌شود. این موضوع همیشه جزو دغدغه‌های دولت‌ها بوده و جای تاسف این‌که همواره در این زمینه راهکارهایی که به کاهش این معضلات منجر شود وجود نداشته است. بدتر این‌که حتی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دولت سیزدهم هم در گفته‌ها و وعده‌های انتخاباتی‌شان کمترین اشاره‌ها را به این موضوع داشتند. آسیب‌های اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب هم بوده‌است، ایشان در سال ۹۵ و در حضور مسؤولان این حوزه، پنج محور اصلی این آسیب‌ها را عنوان کردند و خواستار انجام کاری «فوق‌العاده» در این زمینه بودند اما در راستای رفع دغدغه‌های ایشان همین بس که در کلام کارشناسان هنوز هم چالش اصلی همان پنج محور مورد اشاره ایشان است. در آستانه پایان دولت دوازدهم اما از کارشناسان این حوزه پرسیدیم مهم‌ترین اولویت دولت سیزدهم در زمینه آسیب‌های اجتماعی چه باید باشد و مهم‌ترین تغییراتی که این دولت در این زمینه باید صورت دهد کدام است؟ اشتراک نظر کارشناسان حوزه اجتماعی در پاسخ به این سؤالات هم عجیب است و هم باعث تاسف، چرا که به باور همه آنها راهکارها مشخص است و این زمینه بیش از راهکار به مرد میدان نیاز دارد.

فقدانی به نام برنامه‌ریزی

موضوع نبود برنامه را می‌توان به دیگر حوزه‌های مدیریتی در ایران هم تعمیم داد. آنقدر که صادق الوالی با حسرت می‌گوید گاه به این موضوع فکر می‌کند که واقعاً چرا برای مدیران ایران مسأله‌ای به نام برنامه‌ریزی اهمیت ندارد. عدم باور به نوشتن برنامه‌ای بلندمدت می‌تواند خود موضوع پژوهشی اجتماعی باشد.

والی به جام‌جم می‌گوید: «عدم برنامه‌ریزی در این حوزه اساسی است، این‌که کشور ما در همه حوزه‌ها با برنامه و برنامه‌ریزی قهر است. یکی از دلایلش هم این است که همه افراد مسوول علاقه به برنامه‌های زودبازده و کوتاه‌مدت دارند تا نتایج آن را در دوره مدیریتی خودشان ببینند. این در حالی است که برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت به باید متأثر از داشتن برنامه‌های بلندمدت باشد.» او معتقد است برنامه‌ریزی در زمینه آسیب‌های اجتماعی باید استراتژیک و نگر کل باشد تا بتواند نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد. حسن موسوی چلک هم به این موضوع اشاره‌ای دارد. او می‌گوید آسیب‌های اجتماعی چهار ساله پدید نیامده که بتوانیم با برنامه‌ای معطوف به چهار سال آن را حل کنیم.

مدیران شجاع به جای مدیران حراف

همین موضوع که در حوزه آسیب‌های اجتماعی صاحب آمارهای منفی هستیم خود گواه این نکته است که ما هنوز نتوانسته‌ایم کاری در این زمینه انجام دهیم. یکی از دلایل مهم در این زمینه نبود مدیران متخصص امور اجتماعی و مصمم بوده است. فرید براتی سده معتقد است ما در زمینه آسیب‌های اجتماعی نیاز به عمل داریم. او می‌گوید: «تا بخواهید سند و ماده قانونی داریم، ما مدیر اجرایی و عملگر نداریم. تا دل‌تان بخواهد این سازمان‌ها پر شده‌اند از مدیرانی که حرف می‌زنند و جلسه می‌گذارند و برنامه و سند می‌نویسند. همین چند وقت پیش از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر عنوان شد که یک برنامه تحولی برای سال ۱۴۰۰ داریم! یکی نیست بگوید دست بردارید از این بازی سندن و برنامه، ما در این حوزه نیاز به مدیران شجاع داریم. در مسائل آسیب‌های اجتماعی اگر شجاعت اقدام نباشد که متأسفانه در مدیرانی که تا به امروز هستند نبوده، کاری از پیش نمی‌رود.» صادق الوالی هم معتقد است اغلب مدیران فعال در این حوزه فهم درستی از درک آسیب‌های اجتماعی ندارند. او با اشاره به وعده‌های انتخاباتی برخی نامزدهای ریاست جمهوری می‌گوید: «درک نادرست از آسیب‌های اجتماعی یعنی هنوز نامزدهای انتخاباتی با افتخار می‌گویند به زنان خانه‌دار حقوق می‌دهیم! به‌جای این فقیرپروری بیایند این زنان را توانمند کنند. این رویکرد و نگاه به زنان خانه‌دار خطرناک است. از این جهت که مردم را به سمت وابستگی به دولت‌ها می‌بریم. آنها را این‌طور بار می‌آوریم که دست‌شان را همواره پیش این نهادها دراز کنند.» حسن موسوی‌چلک هم برای مدیران فعال در حوزه اجتماعی ویژگی‌هایی متصور است. رئیس انجمن مددکاران ا اجتماعی ایران به جام‌جم می‌گوید: «مدیران اجتماعی باید سه ویژگی مهم داشته باشند. یکی این‌که در حوزه تخصصی آسیب‌های اجتماعی صاحب‌نظر باشند. دوم اشراف به حوزه اجرایی داشته باشند و سوم این‌که فهم سیاست‌گذاری اجتماعی داشته باشند که متأسفانه فرمان این حوزه همواره در دست کسانی عاری از این ویژگی‌ها بوده است.»

ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها و انجمن‌های صنفی استفاده کرد. لزوم پیوست‌های اجتماعی در قوانین و برنامه‌های آسیب‌های اجتماعی هم از موارد پرتکرار کارشناسان است.

آنها معتقدند هر تصمیم دولت در این حوزه باید با توجه به پیوست‌های اجتماعی اجرا شود. چراکه نادیده گرفتن پیوست‌های اجتماعی نه تنها باعث پیشگیری نمی‌شود که در بسیاری از مواقع به افزایش آسیب‌ها منجر می‌شود. از دیگر تغییراتی که مدنظر آنها قرار گرفته لزوم وجود نظامی برای رصد آسیب‌های اجتماعی است.

فضای مجازی و اینترنت ملی

بدیهی است یکی از اولویت‌های مهم در مسائل اجتماعی حمایت از خانواده است. درواقع خانواده به‌عنوان هسته مرکزی تمام مسائل جامعه ایفای نقش می‌کند و هردو جنبه آسیب‌ها و موفقیت‌ها از خانواده نشأت می‌گیرد. بنابراین بخش قابل‌توجهی از تمرکز دولت سیزدهم باید بر حمایت از نیازمندی‌های خانواده شکل بگیرد. طبیعتاً یک جامعه سالم، نیازمند جوانان توانمندی است که در خانواده‌ای سالم رشد می‌کنند که اگر این اتفاق نیفتد، آن جامعه پویایی ندارد. به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توجه ویژه به رفع نیازها و دغدغه‌های خانواده ازجمله اشتغال، تهیه مسکن، رفع موانع ازدواج و مهیا شدن شرایط آسان برای تحصیل است. ضمن این‌که نباید فراموش کنیم محور خانواده مادران هستند که اگر حمایت شوند، بخش بزرگی از راه پرپیچ‌وخم مسائل اجتماعی را رفته‌ایم. امروز کشور در حالی رویه پیری جمعیت می‌رود که زنان نیاز به حمایت برای فرزندآوری و مادران نیاز به تکريم و توجه دارند. در نظر گرفتن مزایای مختلف خدماتی



حسین جلالی

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس

همچون بیمه برای زنان خانه‌دار و از سوی دیگر، در نظر گرفتن شرایط زنان و مادران شاغل و فراهم شدن آزادی دورکاری برای آنها یکی از جنبه‌های این حمایت‌هاست. به‌طورکلی اجرای طرح‌هایی مانند طرح جوانی جمعیت که با در نظر گرفتن این مسائل مطرح شده، می‌تواند گره‌گشایی بخشی از معضلاتی باشد که امروز در جامعه با آن روبه‌رو هستیم؛ طر‌حی که امیدواریم دولت آینده بودجه موردنیاز آن را تأمین کند تا بتواند به‌بهترین شکل ممکن اجرایی شود.

اما یکی دیگر از مسائلی که در حوزه اجتماعی باید در اولویت رسیدگی قرار بگیرد، ساماندهی فضای مجازی است. آن‌هم نه به معنای محدودسازی فضای مجازی بلکه باید زمینه‌ای فراهم شود تا از این ابزاری که در اختیارداریم به بهترین شکل ممکن استفاده شود. درواقع ما سرمایه‌ای چنین راهگشا در اختیارداریم اما تاکنون آن‌طور که شایسته بوده از آن استفاده نکرده‌ایم.

استفاده از فضای مجازی، برقراری اینترنت پرسرعت، در دسترس بودن فناوری و ابزارهایی این چنینی، موضوعی است که دولت باید به آن توجه کند. چراکه این اتفاق منجر به کاهش سوءاستفاده‌های مالی، رانت، اختلاس و در نهایت از بین رفتن فساد اداری می‌شود؛ اهدافی که با برقراری دولت الکترونیک و استفاده از ظرفیت‌های اینترنت ملی می‌تواند قابل دسترس باشد. ✍



علی بابایی کارنامی

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس

سلامت خانواده رادریایم

هر جامعه‌ای متناسب با وضع موجود خود تعریفی از سلامت اجتماعی دارد و باید در راه رسیدن به آن گام بردارد اما شاید یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی که امروز در جامعه با آن روبه‌رو هستیم و سلامت اجتماعی ما را به خطر انداخته، نبود شغل و بیکاری جوانان است؛ جوانانی که قصد ازدواج دارند و داشتن

شغل مناسب یکی از بدیهه‌ترین نیازهای اولیه آنها محسوب می‌شود. به همین دلیل توجه به ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری جوانان باید در اولویت برنامه‌های دولت پیش‌رو برای رسیدگی و هرچه کمتر کردن فراگیری این معضل در جامعه باشد. طبیعتاً اگر به طرق مختلف، تمهیداتی اندیشیده شود که نرخ بیکاری کاهش یابد، بسیاری از دغدغه‌های اعضای خانواده و